



روزنامه صبح غرب کشور

صاحب امتیاز: مسعود جوادندل | مدیرمسئول: سید حسن قشمی | سردبیر: زهره پوروهایی | چاپ: پیام رسانه |نشانی تحریریه: همدان، خیابان پاستور، کوچه شهید عزیزبان، پلاک ۵۹

تلفن دفتر مرکزی: ۳۱۳۳۰ - ۰۸۱ | امور مشترکین: ۰۹۱۸۳۱۶۸۵۷۴

صاحب امتیاز روزنامه: ۰۹۱۸۸۱۲۱۵۴۱ | آگهی‌ها: ۰۸۱ - ۳۸۲۵۴۰۴۰

پیامک: ۳۰۰۰۱۸۱۸۶۰ | ارتباط با تحریریه: ۳۸۲۷۲۹۳۹ - ۰۸۱ | دورنما: ۳۸۲۸۱۸۴۹ - ۰۸۱ | گستره توزیع: استان‌های ایلام - کرمانشاه - کردستان - مرکزی - همدان |

امام علی علیه‌السلام فرمودند: دانش، میراثی است گرانبهای و آداب، زیورهایی نو به نو و اندیشه، آینه‌ای صافی است.

sepehrgharb_live📧 Email: sepehrgharb.news@gmail.com🌐 www.sepehrgharb.ir

شاعر و ادیب پیشکسوت همدانی:

از حرف زدن به گویش همدانیِ اِبانداشته باشیم!

توصیه‌ام به نوجوانان و جوانان، شناخت فرهنگ همدان است

سپهرغرب، گروه فرهنگی – فاطمه فراقیان؛ یک محقق همدانی گفت: متأسفانه بسیاری از خانه‌های تاریخی، خُرده‌فرهنگ‌ها و آداب و رسوم ما همدانی‌ها دستخوش زوال شده، همچنین گویش شیرین و اصیلمان در دست فراموشی است؛ بنابراین بر ما بوده که هرآنچه از فرهنگمان و نیز خانه‌های تاریخی به‌جا مانده را حفظ کنیم و مهم‌تر اینکه از حرف زدن به گویش همدانی اِبا نداشته باشیم و خجالت نکشیم، چراکه هویت و اصالت ما در آن است و سابقه دیرینه دارد.

علی‌اصغر حمدیه با نام خدا و عرض سلام و ادب خدمت شهروندان همدانی، سخنان خود در رابطه با فرهنگ و گویش همدانی را آغاز کرد و گفت: برابر تحقیقات اهل تاریخ، زبان‌شناسی و فرهنگ مردم، استان همدان نزدیک به سه‌هزار سال سابقه فرهنگی دارد که فرهنگ آن مانند سایر سرزمین‌ها به‌مرور زمان، زوال یافته و دگرگون شده است؛ زبان و گویش همدان قدیم (زمان ساسانیان) پهلوی یا فهلوی بوده که اکنون هم بعضی از واژه‌های آن در لرستان باقی مانده است.

وی با بیان اینکه همدان جزء ولایت پهل به فله بوده که شامل منطقه جبال (کوهستانی) می‌شده است، اِبراز کرد: آثار منظوم و منثور سده‌های چهار و پنج، حاکی از باقی‌مانده زبان پهلوی است که با واژه‌های عربی مخلوط شده و نمونه آن ترانه‌های باباطاهر همدانی است که هم فهلویات دارد (غالب آن)، هم عربی و هم فارسی میانه؛ به این شعر باباطاهر توجه کنید تا آنچه گفته شد را در دوبیتی شاعر پیدا کنید (دلم از دست خویان گِیج و ویجه / مژه بر هم زخم خونا به ریجه / دل عاشق مثال چوب تر بی / سری سوچه سری خونا به ریجه)).

شاعر و ادیب پیشکسوت همدانی با اشاره به اینکه گویش یهودیان همدان هم که طی زمان‌های گذشته در شهرمان ساکن بوده‌اند و مشاغل مختلف داشته‌اند در زبان امروزی ما همدانی‌ها تأثیر داشته است، اظهار کرد: یهودیان همدان به غالب واژه‌ها حرف زیر (کسره) می‌داده‌اند؛ مثلاً اگر می‌خواستند بگویند «دست مرا بگیر»، می‌گفتند «دِستمه بگیر» یا به‌جای «سِریا» (به معنای ایستاده)، می‌گفتند «سِریا».

این محقق همدانی با بیان اینکه محلات همدان ازجمله جولان، ورمزیار، بن بازار، دردوآباد و غیره هم با اینکه فارس‌زبان بودند و همدانی صحبت می‌کردند اما لهجه‌هایی محلی هم داشتند که بر اثر رابطه تنگاتنگ با گویش اصلی کم‌کم از بین رفتند، تشریح کرد: مثل لهجه مردم دره‌مرادیگ و مریانج امروزی که فارسی است. اما هرکدام لهجه مخصوص به خود را هم دارند.



توصیه بنده به اهالی همدان این است که کتب و مقالات مربوط به همدان را بخوانند

حمدیه با اشاره به اینکه مرحوم دکتر اذکایی و ذکاوتی‌قره‌گوزلو در مورد فرهنگ و آداب و رسوم همدانی‌ها و شخصیت‌های بزرگ این سرزمین پژوهش‌های بسیاری داشته‌اند و مقالات و کتاب‌های بسیاری دارند، اذعان کرد: توصیه بنده به نوجوانان و جوانان عزیز شهرم و اهالی با فرهنگ همدان این است که کتب و مقالات مذکور را مطالعه کنند؛ چراکه این موارد میراث فرهنگی ما بوده و از اجدادمان به ارث رسیده است. متأسفانه در ۵۰ سال اخیر بسیاری از خانه‌های تاریخی، کاروان‌سراها و دکان‌های قدیمی از بین رفته‌اند؛ ما در کبابیان و جولان خانه‌های زیبایی داشتیم، مثل خانه‌های نراقی‌ها، شریفی‌ها، سادات کبابیان و غیره که این موضوع باعث شده نوجوان و جوان امروز ندانند اِرسی، سرسرا، آجرفرش، کوچه (به شکل قدیمی آن)، حوض وسط حیاط، طاق‌نما و زیرزمین به چه شکل است.

وی با بیان اینکه آقای هادی گروسین یک واژه‌نامه همدانی (لغات عامیانه همدانی) به ترتیب حروف الفبا دارد، اِبراز کرد: این کتاب لغات فهلوی، فارسی میانه و محلی همدان را دربردارد. شاعر و ادیب پیشکسوت همدانی با اشاره به اینکه آقای محمد علی نورپو هم اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های همدانی را به چاپ رسانده است، اظهار کرد: همچنین کتاب «نام‌جا‌های همدان» را از آقای میرهاشم میری داریم، کتاب «قهوه‌خانه در همدان» از بنده و کتاب «حمام‌ها» از عباس زند است. همچنین کتاب‌هایی هم در مورد بازارها، کاروان‌سراها، چشمه‌ها، کوهسارها، خانه‌های قدیمی و غیره داریم. اطلاعاتی از همدان در این کتاب‌ها جمع‌آوری شده و مردم برای ادای حق مطلب، باید آن‌ها را بخوانند تا با فرهنگ اصیل و زیبای خود آشنا شوند.

وی بیان کرد: در حق فرهنگ همدانی کم‌لطفی و کم‌توجهی شده است. ما در روزگار قدیم قصه‌هایی داشتیم که اکثراً مادر بزرگ‌ها آن‌ها را تعریف می‌کردند، همچنین بنده به یاد دارم مرحوم مادرم ترانه‌های قالی‌باقی شیرینی می‌خواند که در آن هم گویش همدانی داشت، هم واژه‌های کردی، اورامانی، فهلوی و غیره؛ چراکه در غالب خانه‌ها زن‌ها قالی بافی می‌کردند. این اشعار را در روزهای ۱۳ نوروز، ۱۳ ماه صفر و ایامی دیگر با مهره‌ریزی می‌خواندند، به این صورت که هرکس به نیت آرزو و مقصود خود، گیر، دکمه، سنجاق یا چیز دیگری در کوزه پُرآبی می‌انداخت و آن کوزه در هوای آزاد می‌ماند و یک روسری روی آن می‌انداختند. روز بعد همسایه‌ها و دوست و آشنا جمع می‌شدند و کسی که زیاد شعر حفظ داشت یا اشعار قالی‌بافی بلد بود، بیتی می‌خواند و دختر نابالغی از داخل کوزه، چیزی را درمی‌آورد و به این صورت شعر خوانده‌شده، فال صاحب آن گیر، سنجاق یا دکمه درآورده‌شد، بود. چنین



مرا اسکن کنید

▪ **شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲**

▪ **سال سیزدهم ▪ شماره ۲۷۳۵**



مرا اسکن کنید



نمایندگی‌های سپهرغرب در استان‌ها

عاطفه آزاد پور (ایلام): ۴۹۰۴ ۹۴۳ ۰۹۱۸
فرزاد منتی (کرمانشاه): ۲۷۲۹ ۱۳۰ ۰۹۱۸
شیرین مرادی(کردستان): ۶۹۸۴ ۸۷۷ ۰۹۱۸
مینا یاحقی(مرکزی): ۴۹۰۹ ۱۷۹ ۰۹۹۰

می‌خوانم:

«همدان، عمر تو اندازه‌ی الوند تونه هرکوجا هرکی هسش، عاشق و هسبند تونه داستان تونه تاریخ و تمدن، مگه نیست؟ آ قدیم هرچی بگن، وا تونو و پیوند تونه خط گنچنامه قواله‌ی (قباله) تونو ایران‌زمینه که سیر سینه‌ی الوند تو متد نیگینه تپه‌ی هگمتانه که عقلار (عقل‌ها را) مات مُکنه کاخ داروش و خشیار و شاهنشانشینه خیلی آ‌ی حکما بچه‌ی دامان تونن بی سری آ عرفا ریزه‌خور خوان تونن بدیع و باوعلی و خواجه و قاضی و باوا (بدیع‌الزمان همدانی، بوعلی‌سینا، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، عین‌القضات و باباطاهر) همه آ دم می‌وبنی شم (شمع) شیبسان تونن هرچی آداب و رسومه خوش و خوب و عالیبه آ درانه‌ی (آستانه) در تو رفته به جاهای دیگه آب چُرای دوروورت (آبشارهای اطراف) آ تکل‌لی (قله) کو می‌ریزن نه متد اوانی که آیش دستنی و عبرتیّه (عاربه و مصنوعی)

آ کدام چشمه بگم؟ چشمه ملک یا مرواری؟ یا که آ حوض نوی (حوض نبی در کوه الوند) که آب زندگانیّه؟

چشمه قاضی که نیگو، پهلو به کوثر می‌زنه یا که چشمه فرشته‌ت که عمر جاودانیه آ بهشت‌آب و گِشانی و دیه چشمه عفی که چو مرواری غلتان آ سِبر کوه می‌ریزن یا که تخت نادر و چشمه‌های تاریک‌دره که به همراه صبا گوهر و عنبر می‌بیزن آ دوزخ‌دره بگم یا دره‌های مویبجین دره‌ی مرادیگ و عباس‌آواد و دیوبجین دره سوخته، شانظر، یا دره‌ی آخذاداد آ سولان و مریانه، امامزاده کوه، توییجین دره گوساله، دره گرگ و دره‌ی شاطر علی دره روبّا، دره میمون (پشت مصلا)، دره غول (بالای مریانج)، دره‌ی آقا (عباس‌آباد)

آ تاریک‌دره و کیوار و صفای حیدره سیلوار و چشمه ملک، که میوره هوش آ سِرا قله‌های سبز و سفید گُلاقاضی و کلاغ، که بری هیمنه و صولت تو نشانیند متد الوند بلند و چارقل باشکوه قزل و یخچال و کرکس، همه آسمانیند دره‌ی سیمین و خاکو، اِپرو و بیکانه دره یاسین و سیاگونج و خدر و ورکانه سولان و بیدآواد و فخرآواد و نل اشکنه (جایی که نعل ستور می‌شکست)

که علف‌هاشان پری تمام دردا درمانه دروازی تمدن و پاخت علم و هنری گوارِی (گهواره) تاریخ ایرانی و آ همه سری آدمات متد خودت همه‌دان و اهل فنن حمدیه چطو می‌دانه که بگه تو چ تری؟ (چگونه ای و چه قیافه‌ای داری))

در شب‌های چله (پلدا) و شب‌نشینی‌ها بازی می‌کردند، افزود: برای مثال بینیش و وحی (بشین و پاشو)، ریگ‌بازی (یه قل، دوقل یا سنگ‌بازی)، الک‌دولک، گردوبازی، کفشک، حمام گلی و غیره، ازجمله آن‌ها بوده است.

حمدیه با اشاره به اینکه خُرده‌فرهنگ‌های بسیاری در همدان داشته‌ایم که متأسفانه اکنون دیگر اجرا نمی‌شوند، اظهار کرد: اما اهل آن باید این موارد را در کتاب‌ها و مقالات بخوانند؛ چراکه هم لازم است همدانی‌ها به آن‌ها واقف باشند و هم خواندنشان لذت‌بخش است.

این محقق همدانی گفت: همان‌طور که گفته شد، متأسفانه بسیاری از خانه‌های تاریخی، خُرده‌فرهنگ‌ها و آداب و رسوم ما همدانی‌ها دستخوش زوال شده، همچنین گویش شیرین و اصیلمان در دست فراموشی است؛ بنابراین بر ما بوده که هرآنچه از فرهنگمان و نیز خانه‌های تاریخی به‌جا مانده را حفظ کنیم و مهم‌تر اینکه از حرف زدن به گویش همدانی اِبا نداشته باشیم و خجالت نکشیم، چراکه هویت و اصالت ما در آن است و سابقه دیرینه دارد.

حمدیه افزود: در همین راستا خدا را شاكرم این‌روزها که غالب افراد در فکر چیزهای دیگری هستند، شما در تحریریه روزنامه سپهرغرب به فکر ادب و فرهنگ، به‌ویژه از نوع همدانی آن هستید.



«ملاپروپن همدانی»، نخستین کسی که به گویش همدانی شعر گفت

وی با بیان اینکه حدود ۱۰۰ سال پیش ملاپروپن همدانی کمر همت بست و با واژه‌های همدانی شعری سرود، اذعان کرد: کتاب معروف ملاپروپن همدانی آتشکده است. ابتدای شعر مذکور می‌گوید کسی از او خواسته شعری به گویش همدانی بگوید؛ من چند بیت از آن را که در خاطرم هست، برای شما می‌خوانم «چشمت شدی/ لیو بان نِشِیده بودی شی بکنی ای سره‌خور (لب پشت بام نشستنه بودی چکار بکنی ای خیره‌سر بدشگون)/ شُوژُم شُو زِدْئُم لمِیه سی کن شی شده (شوهرم شب من را زده نگاه کن ببین رانم چی شده)/ خوش حال تو که آ رو شُوَر بیزاری (خوش به حال تو که از روی شوهرت بیزار هستی))».

شاعر و ادیب پیشکسوت همدانی با اشاره به اینکه شاعران اهل دل دیگری نیز به گویش همدانی شعر گفته‌اند که بنده می‌ترسم اسم ببرم و نامی جا بیفتد و درست نباشد، تصریح کرد: این شاعران و نویسنده‌ها برای عروسی، حمام رفتن، بازی کردن، محله‌ها، گردشگاه‌ها و غیره شعر گفته‌اند و مطلب نوشته‌اند؛ خودم هم شعری گفتم‌ام که به‌عنوان حُسن ختام، برایتان



بازی‌های همدانی

این محقق همدانی با بیان اینکه در همدان بازی‌های گوناگونی هم داشته‌ایم که بچه‌ها